

Le Paratexte et les implications idéologiques dans la traduction de "Le dernier jour d'un condamné" selon l'approche de l'analyse critique du discours

Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani ¹ 

Maitre de Conférences en Traduction Française, Université Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran

Résumé

Cet article a pour objet la critique du paratexte dans la traduction de " *Le dernier jour d'un condamné*" selon l'approche de l'analyse critique du discours. La couverture du livre est très importante car le public la remarque tout de suite à première vue et elle éveille la curiosité. Cela est très important pour le lecteur et joue un rôle primordial dans la promotion de la pensée de l'auteur dans la société. Dans le processus de traduction du paratexte, la couverture de l'œuvre subit des changements en raison du passage d'une langue à l'autre. Dans cette recherche, nous essayons d'analyser les implications idéologiques dans deux traductions de ce roman de Victor Hugo par les traducteurs iraniens Mohammad Ghazi et Banafshé FarisAbadi en nous basant sur l'analyse critique du discours et en nous appuyant sur le modèle tridimensionnel. Nous comparons les couvertures de ces deux traductions. Les résultats de cette recherche démontrent l'engagement des deux traducteurs envers les conditions de la société de leur époque et leur sensibilité à exprimer directement le thème principal de l'œuvre qui les ont obligés à aborder cette question indirectement par le biais de la traduction, et cette expression indirecte se révèle également sur la couverture de l'ouvrage traduit.

Mots-clés: Traduction, Analyse Critique du Discours, Modèle Tridimensionnel, Idéologie, Paratexte.

¹. E-mail: mirzaebrahim@atu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8347-0259>

DOI: <https://doi.org/>

Paratext and Ideological Implications in the Translation of with the Approach of "The Last Day of a Condemned Man" Critical Discourse Analysis

Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani ¹ 

Associate Professor in French translation, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This article deals with the criticism of the paratext in the translation of "The Last Day of a Condemned Man" with the approach of critical discourse analysis. The cover of the book is the first and most fundamental part that the public notices at first sight and it presents the specific identity of the work. This is very important for the reader and plays an effective role in promoting the author's thought in society. In the process of translating the paratext, the cover of the work undergoes changes due to the transition from one language to another. In this research, we try to analyze the implications and the ideology in the two translations of this novel by Victor Hugo by the Iranian translators Mohammad Ghazi and Banafsheh FarisAbadi based on the critical discourse analysis and based on the three-dimensional model. We compare the covers of these two translations. The results of this research demonstrate the commitment of the two translators to the conditions of the society of their time and their sensitivity to directly express the main theme of the work which compelled them to approach this question indirectly through translation, and this indirect expression is also revealed on the cover of the translated work.

Keywords: Translation, Critical Discourse Analysis, Farahzad's CDA Model, Ideology, Paratext.

¹. E-mail: mirzaebrahim@atu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8347-0259>

DOI: <https://doi.org/>

پیرامتن و تلویحات ایدئولوژیک در ترجمه آخرین روز یک محکوم با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

مقاله پژوهشی

فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی^۱

دانشیار گروه مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر به نقد پیرامتنی^۲ در ترجمه آخرین روز یک محکوم با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازد. جلد کتاب نخستین و اساسی‌ترین بخشی است که در نگاه اول توجه مخاطب را به خود جلب کرده و هویت خاص اثر را معرفی می‌کند. از این رو، تصویر جلد کتاب در ایجاد تصویر ذهنی پایدار و قوی نزد خواننده بسیار مؤثر است و همچنین نقش تأثیرگذاری در ترویج اندیشه نویسنده در جامعه دارد. در فرآیند پیرامتن، جلد اثر به سبب گذار از زبان و فرهنگ پیشین به زبان و فرهنگ پسین دستخوش تغییراتی می‌شود. در این پژوهش کوشیدیم تا تلویحات و ایدئولوژی غالب بر روی جلد دو ترجمه محمد قاضی و بنفشه فریس‌آبادی از رمان آخرین روز یک محکوم اثر ویکتور هوگو را بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی، با تکیه بر رویکرد مدل سه‌وجهی فرحزاد (۲۰۱۲) بررسی کنیم و تأثیر فاصله زمانی جامعه مترجم، در تلویحات ایدئولوژیکی ترجمه این اثر را واکاوی و جلد این دو ترجمه را به صورت مقابله‌ای مورد بررسی قرار دهیم. نتایج این پژوهش بیانگر متعهد بودن مترجمان اثر نسبت به شرایط جامعه‌ی زمان خود و حساسیت در بیان مستقیم موضوع اصلی کتاب است. این امر آن‌ها را به پرداختن غیر مستقیم به این مسئله از منظر ترجمه واداشته که در جلد اثر نیز خود را نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، تحلیل گفتمان انتقادی، مدل سه‌وجهی، ایدئولوژی، پیرامتن.

^۱ E-mail: mirzaebrahim@atu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-8347-0259>

DOI: <https://doi.org/>

^۲ Paratext

۱. مقدمه

گفتمان، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن دربارهٔ جهان و فهم آن است. در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسان، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهندهٔ جمله به‌عنوان مبنای تشریح معنا، سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن (بافت موقعیتی^۱، فرهنگی^۲، اجتماعی^۳) نیز می‌پردازیم. تحلیل گفتمان انتقادی و نقد زبان‌شناختی با ادبیات از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی مرتبط است. متون ادبی نیز مانند سایر متون در خدمت ارتباطاند، از این رو آن‌ها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود. تاریخ، ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی در نقد زبان‌شناختی از منابع اصلی دانش به‌شمار می‌روند و تحلیل‌گران رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی همچون بافت خُرد و کلان، اعم از مسائل تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و گفتمان، وابسته است؛ چراکه رابطهٔ بین مردم و جامعه به صورت تصادفی نیست بلکه توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌شود. در این راستا زبان‌شناسان انتقادی، الگوهایی برای تحلیل، تفسیر و نقد متون ادبی ارائه نموده‌اند. مقاله حاضر به نقد پیرامنتی جلد در ترجمه از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان با تکیه بر مدل سه‌وجهی فرحزاد (۱۳۹۰) می‌پردازد. در این جا، فرض بر آن است که نقد ترجمه، برخلاف ارزشیابی و کیفیت‌سنجی که تنها به خوب و بد ترجمه توجه دارد، باید به این مسئله بپردازد که ترجمه در جامعه / جوامع مقصد چه می‌کند و چه ایدئولوژی(ها)یی را باز می‌نمایاند. مدل سه‌وجهی، رابطه میان متن پیشین (مبدأ) و متن پسین (مقصد) را توضیح می‌دهد و امکان تحلیل متن پسین را هم به صورت متنی مستقل و هم در ارتباط با متن پیشین، در دو سطح خُرد و کلان فراهم می‌آورد. در سطح خُرد هر آنچه در متن است، و در سطح کلان هر آنچه که دربارهٔ متن یا همراه آن است، تحلیل و بررسی می‌شود. برای دستیابی به این تحلیل مرتبط با این اثر ابتدا، به عوامل ایدئولوژی حاکم در جامعه مترجم و نویسنده می‌پردازیم و توضیحاتی درخصوص انگیزه مترجم در انتخاب اثر و چگونگی تأثیر عوامل برون‌متنی و ایدئولوژی در ترجمه ارائه می‌دهیم و سپس، می‌کوشیم دریابیم انگیزه محمد

¹ situational context

² cultural context

³ social context

قاضی و بنفشه فریس آبادی در برگرداندن این کتاب در آن زمان چه بوده و چه نیازی آن‌ها را به چنین انتخابی واداشته است؟ نقش پیشینه فکری مترجم در این میان چیست؟ چگونه این پیشینه فکری و ایدئولوژی در جلد اثر هویدا شده است؟ با توجه به انتخاب آثار ترجمه شده توسط قاضی و فریس آبادی انتظار می‌رود که ترجمه‌ی این اثر نیز در راستای رویکردهای ادبی مشخص فردی و تحقق آرمان‌های اجتماعی این دو مترجم باشد.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با تحلیل گفتمان انتقادی پیرامتن و به‌طور ویژه جلد اثر، مقالات کمی نوشته شده‌است. فرحزاد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقد ترجمه، مدلی سه وجهی بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» در توضیح سطح نشانه‌ای^۱، به تحلیل انتقادی جلد چند کتاب به شکل بسیار مختصری پرداخته است. مظهری و فرجاه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «پیرامنتیت در ترجمه: تحلیل یک اثر از گلی ترقی» به بررسی تغییرات ایجاد شده در پیرامتن روی جلد «خاطره‌های پراکنده» اثر گلی ترقی، پس از ترجمه آن به فرانسه بر اساس نظریه مکتب پیرا ترجمه^۲، پرداخته‌اند و تغییرات پیرامتنی جلد این کتاب را به دلیل گذار از یک واقعیت زبانی-مکانی-فرهنگی به واقعیتی زبانی-مکانی-فرهنگی دیگر بررسی می‌کنند. حسین‌زاده و شهپرراد (۱۳۹۷) در مقاله «از پیرامتن تا پیرا ترجمه دریافت ترجمه داستان‌های دولت‌آبادی به زبان فرانسه بر اساس نظریات ژرار ژنت^۳» به تأثیر پیرامتن بر دریافت کتاب ترجمه شده می‌پردازند و تحلیلی ارائه کرده‌اند. اما ما در این مقاله قصد داریم برای نخستین بار تحلیل انتقادی جلد اثر را با گذر از مسیر تحلیل شرایط زمانی و شخصیت مترجم ارائه دهیم و برای این منظور اثر آخرین روز یک محکوم هوگو را انتخاب نموده ایم. نظامی‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «بررسی معناشناختی ترجمه رمان آخرین روز یک محکوم» به تحلیل معناشناختی متن این اثر پرداخته است و غیر از این مقاله تاکنون هیچ پژوهش ترجمه‌شناسی دیگری در ارتباط با این اثر انجام نشده است.

چارچوب نظری پژوهش

در تحلیل گفتمان انتقادی، نقد ایدئولوژی و قدرت بیش از سایر انواع تحلیل گفتمان مورد توجه قرار دارد. یکی از زمینه‌هایی که به‌ویژه در چند سال اخیر مورد توجه گرایش‌های دیگری چون

¹ semiotic level

² paratranslation

³ Gérard Genette

مطالعات ترجمه بوده، کاربرد تحلیل‌های گفتمان انتقادی در تحلیل و نقد متون ترجمه‌شده و بررسی تأثیرات قدرت‌های پنهان و ایدئولوژی بیان‌شده در متن ترجمه و تقابل‌های ترجمه‌ای در این راستا است. به باور خزاعی فر (۲۰۰۵)، مترجم گاه برای پر کردن خلأ ترجمه و حفظ تعادل زیبایی‌شناختی و گاه تحت تأثیر قدرت و ایدئولوژی حاکم، با تفسیر و تعبیر خود از متن، عامل تغییر، برجسته‌سازی و یا حاشیه‌رانی متن در هنگام ترجمه می‌شود. از سویی از دیدگاه نقش‌گرایی، هر موضوعی را می‌توان سیاسی یا سیاسی‌شده انگاشت. به بیان دیگر، انواع متن و اشکال گفت‌وگو که به مفهوم سیاسی نزدیک‌ترند، سیاسی به‌شمار می‌آیند. این متن‌ها در واقع آراء، عقاید و رفتارهای سیاسی یک جامعه را نشان می‌دهند و موردتوجه تحلیل گفتمان انتقادی و سیاسی هستند (برگرفته از فرحزاد، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۸).

مدل نقد فرحزاد

این پژوهش به‌طور کل از تحلیل گفتمان انتقادی، و به‌طور جزء از چهارچوب مدل سه‌وجهی بهره می‌گیرد. مدل فرحزاد در یک مثلث سه‌وجهی، تحلیل گفتمان انتقادی، بینامتنیت^۱ و انتخاب‌های ترجمه‌ای را، به‌عنوان رویکردی در مطالعات ترجمه و نقد ترجمه، به‌کارگرفته است. با این رویکرد نقد ترجمه به جای پرداختن به چرایی ترجمه به این می‌پردازد که ترجمه چه می‌کند و در جامعه چه کارکردی دارد. در ادامه به اختصار به توضیح دو ضلع این مدل سه‌وجهی می‌پردازیم:

تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان یک شاخه میان‌رشته‌ای^۲، ضمن ایجاد ارتباط مابین زبان‌شناسی و تفکر انتقادی، به رابطه میان متن و جامعه می‌پردازد. پیش فرض چنین تحلیلی آن است که زبان، قدرت و ایدئولوژی به هم مرتبط‌اند. بنابراین، در نقد ترجمه باید به عملکرد گفتمان پرداخته شود که متأثر از ایدئولوژی و قدرت است. در مطالعات ترجمه ایدئولوژی، به معنایی گسترده‌تر به‌کار می‌رود و محدود به حوزه سیاسی نیست. بر پایه اصول تحلیل گفتمان، در هنگام بررسی ترجمه، باید ویژگی‌های متنی با موقعیت‌های اجتماعی و ایدئولوژیکی تولید و دریافت متن مطابقت داده شوند همچنین با تطبیق

^۱ intertextuality

^۲ interdisciplinary

ترجمه‌های متن مبدا به یک یا چند زبان می‌توان نشان داد که چگونه شرایط تاریخی و اجتماعی ویژه در جامعه و فرهنگ گیرنده در رفتار ترجمه تأثیر گذاشته است.

انتخاب‌های ترجمه‌ای

این مقوله در برگزیده انتخاب‌های واژگانی و دستوری (خُرد) و انتخاب راهکارهای ترجمه‌ای مترجم در سه سطح متنی، پیرامتنی و نشانه‌ای (کلان) است. در انتخاب ترجمه‌ای سه سطح متنی، پیرامتنی و نشانه‌ای که فرآورده کارکرد ترجمه از منظر موضع و ایدئولوژی در جامعهٔ پستین هستند، بررسی می‌شود. فرحزاد معتقد است که گاهی مترجم خود نیز نسبت به انتخاب‌هایش آگاه نیست، اما منتقد باید نسبت به این انتخاب‌ها آگاه باشد. انتخاب‌های ترجمه‌ای علاوه بر سطح متنی، در سطح پیرامتنی و در سطح نشانه‌ای اثر ترجمه شده و متن پیشین آن می‌پردازد. بر مبنای آن چه بیان شد در این پژوهش به بررسی پیرامتن و تلویحات ایدئولوژیکی حاکی از آن در ترجمهٔ متن پیشین به پستین با تکیه بر دیدگاه فرحزاد، فقط در سطح نشانه‌ای پرداخته می‌شود. برای بیان بهتر مطالب و پیش از بحث و تحلیل داده‌ها به توضیح بیشتر در پیوند با پیرامتن می‌پردازیم.

پیرامتن

پیرامتنیت از نظر ژرارڈ ژنت بخشی از کتاب است که وجودش برای کتاب حیاتی است و به این نکته تاکید دارد که «پیرامتن خود متن است، با این‌که متن نیست اما در واقع بخشی از متن است»؛ یعنی ژنت معتقد است که پیرامتن مبحثی فرعی نیست و باید به آن به اندازه خود متن نیز اهمیت بدهیم. او مسئولیت درست نگرستن به پیرامتن را متوجه نویسنده، ویراستار و ناشر می‌داند که البته، در این میان، سهم مترجم هم نباید نادیده گرفته شود.

تحلیل داده‌های پژوهش

ترجمه در مسیر انتقال فرهنگ چون دروازه‌ای است که در موارد متعدد اجتماعی، سیاسی و اعتقادی باعث تأثیرپذیری فرهنگ‌ها از یکدیگر می‌شود تا جاییکه مترجم می‌تواند با برگردان آثاری خاص از سایر فرهنگ‌ها، زمینه‌ساز تحولات بنیادی در اجتماع خود گردد. بدین سبب، در تحقیق پیش‌رو ما لیم نقش‌های متقابل یا یکسویهٔ این پدیدهٔ پیچیده را به بهانهٔ ترجمه‌ی رمان *آخرین روز یک محکوم*

بررسی کنیم. در این بررسی به دنبال یافتن مبانی و بنیان‌های دخیل در آن، برآنیم تا با بررسی عواملی که در نمود و تکوین این ترجمه شرکت داشته‌اند، به کشف آن مبانی دست یابیم.

آخرین روز یک محکوم، عنوانی که برای دو متن در قالب داستان و یک خطابه‌ی مفصل درباره مجازات اعدام و فرد محکوم به اعدام انتخاب شده است؛ دو داستانی که سعی دارند خواننده را بی‌هیچ واسطه‌ای به محکوم و از آن مهم‌تر به اعدام متصل کنند و خطابه‌ی هوگو^۱ در اعتراض و تلاش برای لغو حکم اعدام در این اثر بسیار تأثیرگذار است. این اثر در سال ۱۸۲۹ میلادی (۱۲۰۸ هجری شمسی)، برای اولین بار، بدون نام نویسنده و بدون بیانیه‌ی آغازین آن توسط انتشارات چارلز گوسلین به چاپ رسید و سه سال بعد، در سال ۱۸۳۲ میلادی، با نام خود ویکتور هوگو و امضاء و بیانیه تکمیل‌کننده چاپ شد. محمد قاضی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی این اثر را بدون خطابه‌ی هوگو ترجمه کرد. طبق یافته‌های ما در اسناد کتابخانه‌ی ملی، این کتاب از سری اسناد سانسور مطبوعات دوره پهلوی است و نیز با توجه به اسناد ملی، نسخه چاپ شده این اثر توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز مشمول سانسور و ممیزی شده است. با توجه به جستجوهای ما در اسناد کتابخانه ملی، اولین نسخه چاپی موجود و قابل دسترس از این کتاب با ترجمه محمد قاضی، چاپ سال ۱۳۳۷ در انتشارات کتابخانه‌ی گوتنبرگ در تهران است. لازم به ذکر است که این اثر قبل از قاضی و بعد از او نیز توسط چند تن از مترجمین، ترجمه شده است که در این پژوهش ترجمه بنفشه فریس‌آبادی (۱۳۹۷) را نیز به‌عنوان ترجمه‌ای نزدیک به زمان حال (۱۴۰۱) بررسی می‌کنیم.

در این پژوهش جلد نسخه‌های ترجمه شده این اثر توسط این دو مترجم و نیز جلدهای اثر اصلی بنابر تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در ادامه برای بررسی این عوامل به توضیح تحلیل گفتمان انتقادی و ایدئولوژی در پیوند با ادبیات و ترجمه خواهیم پرداخت.

ایدئولوژی و ادبیات

زبان، قدرت و ایدئولوژی به هم مرتبط‌اند. «زبان» محمل ایدئولوژی و «متن» عرصه ظهور و حضور «ایدئولوژی» است (فرکلاف، ۱۹۹۵). ایدئولوژی یکی از مفاهیم بنیادی در تحلیل انتقادی گفتمان است. در مطالعات ترجمه ایدئولوژی به معنای گسترده‌تری به کار می‌رود و به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود. ادبیات نظام بازنمایی‌ها را به ایدئولوژی گروه‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. بنابراین، یک نقد

¹ Victor Hugo

² Norman Fairclough

ایدئولوژیک نه تنها مواردی را بررسی می‌کند که در آن ادبیات به روشنی در خدمت یک ایدئولوژی مسلط و یا خاص قرار می‌گیرد، بلکه موارد ضمنی، ناگفته‌ها و حتی سکوت‌های انکارآمیزی را تحلیل می‌کند که مضامین ایدئولوژیک ادبیات را درهم می‌تند. هر یک از عناصر ادبیات، از تولید فرم گرفته تا توقع مخاطب و نیز نوع زبانی که برای اهداف مشخص از آن استفاده می‌شود، در جریان تاریخ به تحول می‌رسد. هر یک از این عناصر، از این رو که از اجتماع برخاسته‌اند، قابلیت عینیت‌بخشیدن به ایدئولوژی را دارا هستند (برگرفته از حسین زاده، ص ۶۰). بنابراین، شکل یک تراژدی به لحاظ ایجاد اثرات ایدئولوژیک در سال ۱۳۳۴ (ترجمه قاضی) با سال ۱۳۹۷ (ترجمه فریس آبادی) متفاوت است. ایدئولوژی به ما یادآوری می‌کند که ادیبان خارج از این جهان زندگی نمی‌کنند. دست‌کم از این رو، ایدئولوژی همچنان یک مفهوم امروزی و ضروری باقی می‌ماند.

با توجه به آنچه گفته شد در این بخش به منظور دستیابی به ایدئولوژی در متن پیشین و پسین، به بررسی عوامل برون‌متنی می‌پردازیم که هرچند در متن وجود ندارد اما تأثیر آن‌ها در متن انکارناپذیر و مشهود است، از قبیل جامعه مترجم و جامعه نویسنده. حال به منظور دریافت عوامل تأثیرگذار بر ترجمه آخرین روز یک محکوم، زندگی مترجم را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در این قسمت به طور عمده به محمد قاضی می‌پردازیم و درباره بنفشه فریس آبادی، به توضیحات داده شده در قسمت درباره بنفشه فریس آبادی بسنده می‌کنیم.

افق مترجم

یکی از راه‌های دسترسی و مطالعه افق دید و ایدئولوژی مترجم، توجه به زندگینامه، شرایط رشد و تربیت او، جریان سیاسی، فرهنگی و نیز اعتقادی زمان وی است. چراکه بی‌شک هرکدام از موارد فوق، به‌طور جداگانه، نقش و تأثیر خود را بر شکل‌گیری نظرات و اندیشه‌های مترجم گذارده‌اند و شناخت این عوامل در مسیر تحقیق ایدئولوژی ضروری است.

زندگینامه‌ی محمد قاضی

محمد قاضی متولد ۱۲۹۱ شمسی در شهر مهاباد است. پدر او، امام جمعه مهاباد بود. قاضی آموختن زبان فرانسه را در مهاباد آغاز کرد. در سال ۱۳۰۸ به تهران آمد و پس از گرفتن دیپلم رشته ادبی از مدرسه دارالفنون، در رشته قضایی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد که پس از اتمام آن در سال ۱۳۱۸، تا سال ۱۳۲۰ با درجه ستوان دومی در بخش دادرسی ارتش مشغول

خدمت سربازی شد. محمد قاضی در مهرماه ۱۳۲۰ به استخدام وزارت دارایی درآمد. کلود ولگرد، اثر ویکتور هوگو و دن کیشوت، نوشته سروانتس^۱، نخستین آثاری بودند که در جوانی، از زبان فرانسه به فارسی برگرداند (قاضی، ۱۳۷۲، ص. ۵۰). اکثر نسخه‌های چاپ شده فارسی و فرانسه‌ی کتاب *آخرین روز یک محکوم هوگو* در بردارنده دو داستان با عنوان *کلود ولگرد* و *آخرین روز یک محکوم* است.^۲ قاضی، کلود ولگرد را در سال ۱۳۱۹ و *آخرین روز یک محکوم* را در سال ۱۳۳۴ ترجمه کرد. او از اعضای حزب توده بود و تا آخر عمر به عقاید خویش وفادار ماند. وی ۵۰ سال از زندگی خود را به ترجمه و نوشتن گذراند که حاصل تلاش‌های او ۶۸ اثر، اعم از ترجمه ادبی و همچنین آثار خود او به زبان فارسی، است. بخش اعظم ترجمه‌های قاضی را ترجمه رمان تشکیل می‌دهد. شاید همان‌طور که ریچارد رورتی^۳ به نقل از میلان کوندرا^۴ می‌نویسد: «رمان ژانری است که عموماً به دموکراسی تعلق دارد، ژانری که با مبارزه برای آزادی و برابری گره خورده است» (رورتی، ۱۹۹۱، ص. ۶۷ به نقل از رجبی، ۱۳۹۲، ص. ۳۸). قاضی در سال ۱۳۷۶، در ۸۴ سالگی، درگذشت.

درباره‌ی بنفشه فریس آبادی

بنفشه فریس آبادی، شاعر، نقاش و مترجم ادبیات فرانسه، متولد ۱۳۶۰ در تهران است. او فارغ‌التحصیل رشته موسیقی و فعال در زمینه ادبیات، هنرهای تجسمی و ترجمه ادبیات فرانسه است. از آن دسته شاعرانی است که به احساسات و بار عاطفی واژه‌ها احترام گذاشته اما شعر او از اندیشه و اجتماع خود تهی نیست و در خدمت این دو است. زبان کارهای فریس آبادی نه حماسه است که مخاطب را با اشیاء و مفاهیمی روبه‌رو کند که در حقیقت اغراق کرده و نه تغزل محض؛ بلکه شاعر، کتاب چند دقیقه بعد از *انتحار* را در زبانی تراژیک نوشته است و غزل‌هایش، یک تغزل احساسی صرف و بزک‌کرده اکثر شاعران زن نیست، بلکه، تغزلی مدرن است که تمام ابعاد انسانی را رعایت کرده است. جنبه‌هایی از قبیل احساسات، عواطف (در حد معقول) جسارت، اقتدار و... در این تغزل، پدیده‌ها، اشیاء و رویدادهای کار را به همان شکل و جنسی به‌کار رفته‌اند که در زندگی روزمره با آن روبه‌رو

^۱ Miguel de Cervantes

^۲ هوگو کتاب *آخرین روز یک محکوم* را در سال ۱۸۲۹ و *کلود ولگرد* را در سال ۱۸۳۴ نوشت. به دلیل موضوع مشترک و نزدیکی این دو اثر با یکدیگر، غالباً این دو اثر در قالب یک کتاب چاپ شده‌اند.

^۳ Richard Rorty

^۴ Milan Kundera

هستیم. بنفشه فریس‌آبادی از اوایل دهه ۸۰ تاکنون با سایت‌های ادبی و نشریات مختلف همکاری داشته است و آثار متعددی در زمینه ترجمه دارد. پس از آشنایی اندکی با قاضی و فریس‌آبادی در ادامه برای شناخت بیشتر این دو مترجم به بررسی شرایط جامعه ایران می‌پردازیم.

سیاست و محمد قاضی

نفس عمل ترجمه، به تعبیری، با سیاست پیوند دارد. آلوارز^۱ و ویدل^۲ ترجمه را، به‌طور عام، عملی سیاسی تعریف می‌کنند. در واقع، ترجمه فرهنگ‌محور است و «با تولید و خودنمایی قدرت سروکار دارد» (شافرنر^۳، ۲۰۰۷، ص. ۱۳۵ به نقل از رجبی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). آنان معتقدند «انتخاب‌های مترجم از جمله اینکه چه چیزی را ترجمه کند و چگونه آن را ترجمه کند به وسیله قواعد سیاسی تعیین می‌شود. به این معنا، سیاست رابطه‌ی تنگاتنگی با ایدئولوژی دارد». (شافرنر، ۲۰۰۷، ص. ۱۳۵ به نقل از رجبی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). پس مترجم در تعاملش با سیاست، قدرت و ایدئولوژی خود را و دیگری را نیز تعریف و تحدید می‌کند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و به دنبال بازگشت محمدرضا شاه پهلوی به کشور، سانسور مطبوعاتی افزایش یافت و این جو تا زمان سقوط رژیم پهلوی اول ادامه داشت. با «محدود شدن عرصه فعالیت‌های سیاسی پس از ۲۸ مرداد، روشنفکران به سوی کارهای سیاسی روی آوردند... و به این نتیجه رسیدند که برای اصلاح جامعه باید به کارهای اساسی پرداخت که کارهای فرهنگی است نه فعالیت سیاسی» (امیرفریاری، ۱۳۸۰، ص. ۶۳). به تعبیر قاضی ترجمه پنجره‌ای است رو به دنیاهای دیگر؛ در واقع در جوامع بسته، ترجمه یکی از راه‌های کنشگری سیاسی است. به باور امیر فریاری «داستان ترجمه ادبیات جهان به فارسی داستان شور و تلاش مترجمانی است که بسیاری از آنان با آرمان افزایش آگاهی مردم، اصلاح جامعه و مبارزه با ظلم و استبداد و خرافات دست به این کار زدند. به ویژه از سال‌های ۱۳۲۰ به این سو، روشنفکران چپ‌گرا سهم مؤثری در کار ترجمه داشتند» (امیرفریاری، ۱۳۸۰، ص. ۷۰). همان‌طور که پیشتر اشاره کردیم، قاضی نیز از اعضای حزب توده بود که از احزاب چپ‌گرا به‌شمار می‌رفت. در پی حادثه ترور نافرجام محمدرضا شاه توسط یک فعال مذهبی وابسته به حزب توده، در سال ۱۳۲۷، این حزب غیرقانونی

¹ Román Alvarez

² M. Carmen Africa Vidal

³ Christina Schaffner

اعلام شد (جمعی از پژوهشگران موسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۰). پس از اثبات حضور اعضای حزب توده در کودتا و سوء قصد حزب توده علیه حکومت پهلوی، چندین تن از افراد مرتبط در این قضیه، که عضو حزب توده نیز بودند، به اعدام، حبس و تبعید محکوم شدند و مخالفان رژیم و خرابکاران سیاسی توسط ساواک اعدام شدند. بنابراین، واضح بود که حکومت با این حزب رابطهٔ خوبی ندارد و به همین دلیل می‌توان علت سانسور شدن آخرین روز یک محکوم در دوران پهلوی را حدس زد. از یک طرف موضوع کتاب، سیاسی و انتقادی به شمار می‌رفت و از سوی دیگر مترجم آن از اعضای حزب توده بود و مطمئناً انتخاب این اثر برای ترجمه در جهت حفظ آرمان‌های حزب توده و مخالفت با رژیم و اعدام مخالفان رژیم پهلوی بوده است. حزب توده ایران در دوران انقلاب اسلامی از رهبری آیت‌الله خمینی (ره) پشتیبانی نمود و در انتخابات مجلس آیت‌الله صادق خلخالی را به‌عنوان نامزد خود معرفی کرد.^۱ با استناد به مدارک تاریخی، شاید بتوان گفت که امر اعدام در ایدئولوژی حزب توده، که قاضی عضو آن بود، تنها در جهت مخالفت با آرمان‌های ضد حزب توده و اعدام‌های نظام پهلوی علیه این حزب بوده است. در غیر این صورت قاضی در این اثر اعدام‌ها و ترورهای حزب توده را نیز محکوم کرده است، که چنین احتمالی با وجود پابندی قاضی به حزب توده تا دوران پیری و اعمال و ترورهای حزب توده در همان زمانی که او مشغول به ترجمهٔ این اثر بود، کمرنگ می‌شود.

رویکرد ادبی محمد قاضی

برای محمد قاضی ترجمه نه همچون رابطه‌ی بین دو فرهنگ همسان، بلکه جریان بین دو فرهنگ فرادست و فرودست است که در آن جریان تمدن و فرهنگی «نامتقارن»، پیشرفت یک طرفه بوده و افکار مترقی از سطح فرهنگ قوی در زبان مبدأ به سطح زبان مقصد و سپس فرهنگ ضعیف منتقل می‌شود. درحقیقت، ترجمه برای او به ابزاری برای مبارزه با قدرت بدل می‌شود که قرار است در معادلات سیاسی - اجتماعی در جهت براندازی نظام حاکم حرکت کند. قاضی می‌گوید:

«من فانوس افروزم و کارم این بوده است که در دوران عمر کوتاه خود مغزها را با عرضه کردن آثار آزاداندیشان جهان روشن کنم و حقایق زندگی را که آزاد زیستن و آزاد اندیشیدن و عشق به همونوع

^۱ نبرد روحانیت و حزب بر سر تودهٔ مردم، بی‌بی‌سی فارسی

و محبت و انسان‌دوستی و دموکراسی و کاروکوشش برای بهروزی خود و اجتماع است، به همه ابلاغ کنم» (قانع‌فرد، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶).

به باور قاضی، مترجم «درواقع به منزله کلیدی است که در گنجینه علم و معرفت ملت‌های متمدن و پیشرفته را به روی ملت عقب‌مانده‌ی خود می‌گشاید» (قانع‌فرد، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳). به نقل از قاضی در کتاب *نخاطرات یک مترجم*، او در پاسخ به خوزوئه دوکاسترو^۱، نویسنده کتاب *آدم‌ها و خرچنگ‌ها*، که از او درباره انگیزه‌اش از ترجمه این کتاب می‌پرسد، می‌گوید:

«ما اینجا نمی‌توانیم از بدبختی‌ها و بی‌عدالتی‌های رایج در کشورمان مستقیماً سخن بگوییم... ما در پناه شما حرف‌های خودمان را می‌زنیم و در پناه نام شما هم از تعقیب و آزار مصون می‌مانیم... تا بتوان از زبان شما و امثال شما حرف زد چه لزومی دارد که از زبان خودمان بگوییم و برای خود در درس درست بکنیم؟» [...] به عبارت دیگر، «تنگناهای سیاسی نیز باعث می‌شوند برخی از آنچه در قالب آثار آفرینشی گفتنی نیست، به کمک ترجمه سخن و آثار دیگری یا دیگران گفته شود» (قاضی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۹-۳۶۰).

قاضی به اهمیت و نقش ترجمه در گفتگوی فرهنگی‌ها و سپهر اندیشه‌ها واقف بود و از ترجمه همچون استراتژی ترغیب در لباس تمثیل یا داستان پندآموز برای شکستن سانسور و سکوت بهره می‌گرفت. بنابراین، برای قاضی ترجمه اصالتاً دارای کارکردی ایدئولوژیک و سیاسی بوده است (رجبی، ۱۳۹۲، ص ۳۸). قاضی در یکی از مصاحبه‌هایش می‌گوید که «از بین ۶۴ کتابی که ترجمه کرده است، تقریباً همه دارای رسالت اجتماعی و فکری هستند و تعداد انگشت‌شماری... رسالت هنری و فرهنگی دارند» (قانع‌فرد، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷). به نقل از امیرفریاری: «ملاک برخی از مترجمان نام‌آور معاصر در انتخاب رمان برای ترجمه بیشتر ارزش‌های اجتماعی اثر بوده است تا ارزش ادبی آن» (امیرفریاری، ۱۳۸۰، ص ۶۶) و قاضی در زمره‌ی این مترجمان جای می‌گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت، در نگاه و اندیشه قاضی وظیفه بنیادین ترجمه هدایت اطلاعات و مفاهیم متعالی انسانی از زبان و فرهنگ و ایدئولوژی زبان مبدأ به خوانندگان آثار ترجمه‌شده در زبان و فرهنگ و ایدئولوژی مقصد است. همچنین لازم به یادآوری است، قاضی، ضمن آنکه

^۱ Josué de Castro

دانش‌آموختهٔ مدرسهٔ دارالفنون بوده و با زبان فرانسه آشنایی زیادی داشته، فرزند یک روحانی نیز بوده است که نمی‌توان تأثیر آن بر رویکردهای ادبی قاضی را نادیده گرفت.

نویسنده

همانطور که پیش‌تر در مقدمه اشاره شد، کتاب *آخرین روز یک محکوم* توسط ویکتور هوگو، نویسنده و سیاستمدار معروف فرانسوی نوشته شده است. در ذیل به شرح مختصری از زندگی و همچنین افق فکری این نویسنده می‌پردازیم.

افق نویسنده

همانطور که پیش‌تر در افق مترجم به آن اشاره کردیم. برای دستیابی به ایدئولوژی و افق نویسنده، مطالعه‌ی زندگینامه، شرایط رشد و تربیت او، و نیز جریان سیاسی، فرهنگی و اعتقادی زمان وی ضروری است.

زندگینامه ویکتور هوگو

ویکتور ماری هوگو در سال ۱۸۰۲ میلادی متولد شد. در کشورهای مختلفی دوران کودکی‌اش را گذراند. زمان کوتاهی در کالج نجیب‌زادگان در مادرید اسپانیا تحصیل کرد و در فرانسه زیر نظر معلم خصوصی‌اش که کشیشی بازنشسته بود آموزش دید. هوگو مکتب رومانتیسم^۱ را پایه گذاری کرد. در سال ۱۸۴۵ از طرف شاه به مجلس اعیان دعوت شد و سمتی سیاسی در حکومت قبول کرد. بعد از اعتراض‌هایی که در پی انتخاب او ایجاد شد، هوگو گوشه‌گیری کرد. در سال ۱۸۴۸ میلادی، بعد از وقوع انقلاب، نماینده مردم شد، ولی بعد از لویی ناپلئون بناپارت، رئیس‌جمهور جمهوری دوم فرانسه شد. او علیه اعدام‌ها و بی‌عدالتی اجتماعی سخنرانی می‌کرد و بعدها برای عضویت در مجمع قانون‌گذاری و مجمع وابسته به قانون اساسی انتخاب شد. بعد از کودتای ۱۸۵۱ به بروکسل فرار کرد و در تبعید طولانی‌اش آثار بزرگی نوشت. با سقوط ناپلئون سوم در سال ۱۸۷۰ به فرانسه بازگشت. سال‌ها نماد مخالفت با پادشاهی و طرفدار جمهوری بود. در سال ۱۸۷۰ به مجلس ملی راه یافت، ولی خیلی زود از نمایندگی مجلس استعفا داد. هوگو در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۲۶۴ شمسی)، در هشتاد و سه سالگی، در پاریس درگذشت. بیش از دو میلیون نفر در مراسم خاک‌سپاری او شرکت کردند و مرگ او سوگ ملی شد. هوگو نه تنها برای جایگاه والایی که در ادبیات فرانسه داشت، بلکه به عنوان

^۱ Romanticism

سیاست‌مداری که به تشکیل و نگهداری جمهوری سوم و دموکراسی در فرانسه کمک کرد، ستوده شد.

سیاست و ویکتور هوگو

ویکتور هوگو در طول زندگی خود برای آزادی و علیه انواع سانسور می‌جنگید و همچنین برای لغو مجازات اعدام تلاش فراوان کرد، زیرا آن را عملی غیرانسانی می‌دانست. رمان *آخرین روز یک محکوم* هنوز بستری مناسب برای دفاع از این عقاید است. او روزی در خیابان جمعیتی را می‌بیند که برای تماشای مراسم اعدام یک محکوم به مرگ تجمع کرده بودند. هوگو از تصور اینکه گردن انسانی را در ملأعام با گیوتین بزنند و جماعتی تجمع کنند و چنین منظره‌ی هولناکی را باهیجان تماشا کنند، به خود لرزید. این اولین باری نبود که این نویسنده و اندیشمند بزرگ شاهد چنین صحنه‌های دلخراش و غیرانسانی بود. پس از این ماجرا، نوشتن کتاب *آخرین روز یک محکوم* را آغاز کرد. او در این کتاب به وضوح اعتراض خود به مجازات اعدام را اعلام کرده و خواستار لغو این قانون بی‌رحمانه است. بعد از لویی ناپلئون بناپارت که رئیس‌جمهور جمهوری دوم فرانسه شد، او علیه اعدام‌ها و بی‌عدالتی اجتماعی سخن راند. در سال ۱۸۷۶ به‌عنوان سناتور وارد مجلس سنای فرانسه گردید. در طی دوران فعالیت سیاسی‌اش، ویکتور هوگو بیش از صدها سخنرانی و نطق‌های سیاسی ایراد کرد.

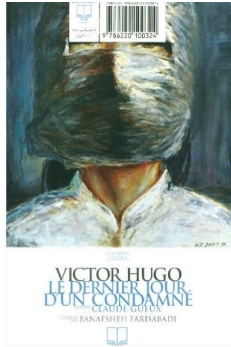
اعتقادات مذهبی ویکتور هوگو

دیدگاه‌های دینی هوگو در طول زندگی‌اش تغییر کرد. او در جوانی، مسیحی کاتولیک بود اما کم‌کم، فردی شد که به وظایف دینی‌اش عمل نمی‌کرد و بیش از پیش به بیان دیدگاه‌های ضد پاپ و ضد کشیشی می‌پرداخت. او هیچ‌گاه از بیزارى خود از کلیسای کاتولیک دست برنداشت. هوگو معتقد بود که ادیان به تدریج از میان می‌روند، اما این خداست که می‌ماند. او پیش‌بینی می‌کرد که مسیحیت بلاخره روزی از میان خواهد رفت اما مردم همچنان به خدا، روح و تعهد باورمند خواهند ماند.

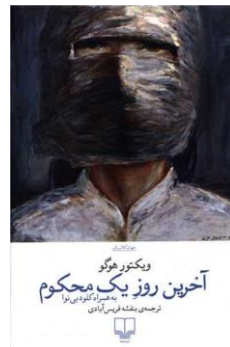
رویکردهای ادبی ویکتور هوگو

با توجه به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هوگو می‌توانیم به دیدگاه‌ها و تفکرات شخصی وی نیز پی‌ببریم. از لحاظ نویسندگی، هوگو معتقد بود که هنرمند باید از هنر و استعدادش در خدمت به مردم و همه‌ی کسانی که نمی‌توانند حرف دلشان را زده و احساسشان را بیان کنند، استفاده‌کند. هوگو خود

پایه‌گذار و نماد اصول و عقاید مکتب رمانتیسم بود. در این مکتب، لازمه‌ی نویسنده‌ای فعال و



تصویر پشت جلد



تصویر روی جلد

آزادی‌خواه بودن، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی جامعه بود. با بررسی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هوگو دریافتیم که وی برخلاف بسیاری از نویسندگان هم‌نسل خود هیچ اعتقادی به این اصل نداشت که شاعر یا نویسنده باید منزوی باشد و یا دائماً در افکار و احساسات درونی خود سیر کند. برای هوگو تعمق و تفکر شاعرانه همیشه از متن جامعه و از میان مردم برمی‌خاست و برای مردم و خدمت به آنها خلق می‌شد. برای هوگو، قلم و کاغذ تنها بستری بود که از طریق آن می‌توانست عقاید سیاسی و اجتماعی خود را بازگو کند.

با توجه به آشنایی کلی که نسبت به روحیات، عقاید و زندگی محمد قاضی، بنفشه فریس‌آبادی و نویسنده‌ی فرانسوی، ویکتور هوگو پیدا کردیم و نیز بنابر توضیحاتی که در باب ایدئولوژی و ارتباط آن با ادبیات و ترجمه ارائه دادیم، در ادامه به بررسی پیرامتن جلد اثر ترجمه‌شده توسط این دو مترجم می‌پردازیم و برآنیم تا با توجه به شرح زندگی نویسنده و مترجمان، نکات ایدئولوژیکی پنهان در جلد این آثار را استخراج کنیم و در پایان با استناد بر نتایج به دست آمده، بکوشیم تا پاسخ پرسش‌های پژوهش را بیابیم.

تلویحات ایدئولوژیکی در جلد اثر و ترجمه‌ی آن (پیرامتن)

الف. جلد نسخه‌ی ترجمه‌ی فریس‌آبادی

ترجمه‌ی بنفشه فریس آبادی (۱۳۹۷) از *رمان آخرین روز یک محکوم* به همراه کلود بی‌نوا اثر ویکتور هوگو به وسیله‌ی نشر چشمه در ۱۶۳ صفحه در قطع وزیری و جلد شومیزی در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسید. روی جلد روین کتاب به ترتیب از بالا به پایین تصویر یک اثر هنری نقاشی شده است. در زیر تصویر روی جلد، دسته‌بندی کتاب در زیرمجموعه‌ی جهان کلاسیک به چشم می‌خورد. نام نویسنده، عنوان اثر و عنوان داستان ضمیمه شده‌ی *کلود بی‌نوا* با فونت کوچکتری به نسبت عنوان اصلی در زیر آن قرار دارد. در قسمت پایینی نام مترجم با فونتی کوچک‌تر و متفاوت از نام نویسنده (به‌طوریکه برجستگی چندانی نداشته باشد) آمده و در نهایت لوگو و نام نشر چشمه در انتها قرار گرفته است. **بررسی تصویر روی جلد**

در ظاهر تصویر روی جلد تصویر ساده‌ای است که به سبب وجود یک نقاشی، زیبایی بصری نیز دارد. در نگاه اول فردی را می‌بینیم که از پشت نقابی به ما خیره شده است. درست مانند تصمیمی که هوگو در بطن متن مبنی بر ناشناخته نگاه داشتن هویت محکوم برای خواننده گرفته است. نقاشی فرد روی جلد نیز از سن، جنسیت و موقعیت او اطلاعاتی به ما نمی‌دهد. از پشت این نقاب که آهین به‌نظر می‌رسد، چشمان بی‌احساس و خیره به خواننده، روایتگر انتظار فرد درون نقاشی، برای بازگویی داستان یک زندگی بی‌روح برای خواننده کتاب است. تمام قسمت‌های ماسک به جز چشم‌ها پوشیده شده است. این فرد نمی‌تواند از طریق زبان یا حالت چهره با خواننده ارتباط برقرار کند بلکه تنها دریاچه و وسیله ارتباط او با خواننده، چشمان او است. این خواننده است که باید با هوشمندی خود از این چشمان ماتم‌زده، خسته، سرد و بی‌روح که ملتمسانه در انتظار شنونده و یاور است، حرف‌های ناگفته‌ای را که نمی‌توان بیان کرد، استنباط کند. اما این تصویر پیچیده‌تر نیز می‌شود چراکه این نقاشی اثر هنرمندی چینی به نام هو جی^۱ است که تصویر از یکی از مخالفین حکومت چین، لین ژائو^۲، را که «کلاه میمون»^۳ بر سر دارد، نقاشی کرده است. لین ژائو نویسنده و شاعر کمونیست چینی است که پس از مبارزات انتخاباتی برای حزب کمونیست چین، سوء استفاده‌های این حزب از قدرت را

^۱ Hu Jie

هو جی، فیلمساز، نقاش و هنرمند چینی است که به خاطر فیلم *در جستجوی روح لین ژائو* (۲۰۰۴) شناخته شده است.

^۲ Lin Zhao

^۳ کلاه میمون مجازاتی است که به گونه‌ای طراحی شده است که برقراری ارتباط را برای پوشنده دشوار کند.

محکوم کرد و از مخالفان سرسخت این حزب شد. به همین سبب، حزب کمونیست او را دستگیر کرد و به زندان انداخت. اما او قهرمان شجاعی بود که حتی وقتی نگهبانان زندان او را از قلم و کاغذ محروم کردند، با خون خود روی لباس‌ها و ملحفه‌ها شعرها و نوشته‌های متعددی در محکومیت سیاست حزب می‌نوشت و هنگامی که مقامات به او اجازهٔ دسترسی به قلم و کاغذ را می‌دادند، خون نوشته‌های خود را دوباره با قلم روی کاغذ می‌نوشت. مقامات زندان اشعار و مقالات او را مصادره کردند، اما او معتقد بود که آثارش در نهایت دیده خواهد شد. حق با او بود. مقامات زندان این نوشته‌ها را برای احتیاط به‌عنوان مدرکی علیه لین ژائو نگه داشتند. هنگامی که در اوایل دههٔ ۱۹۸۰، دولت او را تبرئه کرد، برخی از نوشته‌هایش به دست خانواده‌اش رسید. برخی دیگر در قفل و کلید دولت باقی ماندند.^۱ سرانجام، لین ژائو در سال ۱۹۶۸، در ۳۶ سالگی، اعدام شد. دهه‌ها پس از اعدام او، به نظر می‌رسید که حزب کمونیست چین توانسته است تا صدای این شاعر و مقاله‌نویس مسیحی ساده اما شجاع را، که حتی باوجود شکنجه و فشار در زندان به بیان حقیقت می‌پرداخت، خفه کند، اما همچنان بسیاری از مردم چین و رسانه‌های جهان یاد او را زنده نگه داشته‌اند.

رنگ‌شناسی جلد

همانطور که در تصویر پیداست در نقاشی طیف رنگ‌های سرد مانند سفید، آبی کم رنگ، طوسی و... به کار رفته است. طیف آبی در رنگ‌ها آرامش و امنیت و نیز رنگ‌های سرد در بیننده حس سردی و بی‌روحو را القاء می‌کنند. رنگ آبی، می‌تواند احساس غم، درون‌گرایی یا گوشه‌گیری را نیز القاء کند. رنگ سفید، نماد معصومیت و پاکی است و پیراهنی که بر تن شخصیت نقاشی، یعنی لین ژائو، است نیز سفید رنگ است. پیراهن او و نوری که در چشمانش افتاده است تنها قسمت‌های روشن تصویر هستند. رنگ سفید سمبل پاکی، بی‌گناهی، صلح و صداقت است. البته، بسیاری نیز معتقدند این رنگ بی‌احساس و بی‌تحرك است. رنگ قهوه‌ای معمولاً نماد طبیعی، زمینی و متفاوت بودن است اما گاهی می‌تواند نشانگر پیچیدگی باشد. بخش زیادی از تصویر را رنگ خاکستری تشکیل می‌دهد. این رنگ در اغلب فرهنگ‌ها مفهوم یکسانی دارد و بار منفی را القاء می‌کند. خاکستری نماد تنهایی، ناراحتی،

^۱ <https://www.umnews.org/en/news/chinese-martyr-inspires-50-years-after-execution>

افسردگی، ترس و... است.

تکنیک رنگ‌آمیزی هو جی در این اثر مانند برخی دیگر از آثارش خاص است. همین تکنیک رنگ‌آمیزی نوعی به‌هم‌ریختگی، احساس خشم و ترس را به بیننده منتقل می‌کند. با استفاده از همین تکنیک بوده است که هنرمند توانسته عمق‌سازی کند و صورت آدم روی جلد را از فضای پشتش جدا کند، فضایی که آن هم تاریک، سخت و بی‌روح است (زندان).

عنوان اثر نیز با رنگ آبی نوشته شده است که با تصویر و بارمعنایی آن هارمونی عمیقی ایجاد می‌کند. در عین رعایت روح هنری در انتخاب رنگ‌ها و رعایت هارمونی متن جلد با تصویر، معنای سردی، سکون و تلخی داستان مستقیماً به خواننده منتقل می‌شود و در همان نگاه اول سردی فضای کتاب و تصویر، مخاطب را درگیر خود می‌کند.

تصویر پشت جلد

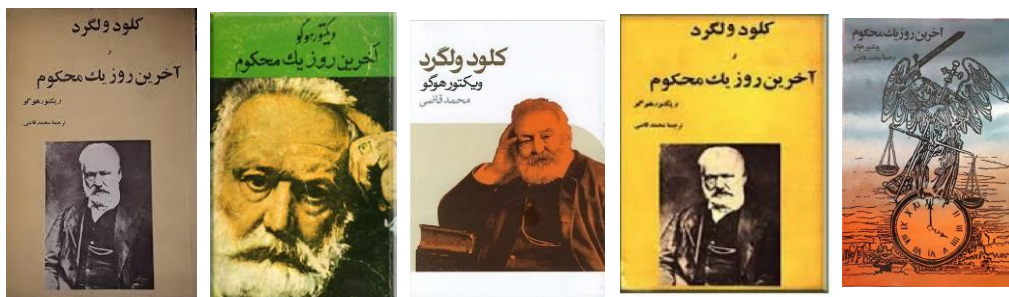
تصویر پشت جلد نیز عیناً مانند تصویر روی جلد است و می‌توان گفت نسخه ترجمه‌ی فرانسوی جلد روین کتاب است. برخلاف بسیاری از کتاب‌ها هیچ توضیحی درباره کتاب، داستان، نویسنده و هرگونه نشانه‌ای که به خواننده سرنخی برای یافتن موضوع و درون‌مایه کتاب را بدهد، دیده نمی‌شود. این خود مخاطب است که باید کتاب را باز کند و بخواند و در انتهای داستان علت نگاه درون تصویر را بیابد و تفسیر کند. در واقع، با توجه به اینکه ترجمه‌ی تیتز نیز دقیقاً استراتژی هوگو را پیش‌گرفته و عبارت «محکوم به اعدام» به عمد به آن افزوده نشده است. از جلد و عناصر پیرامتنی این ترجمه نیز نمی‌توان پی برد که موضوع اصلی اثر در باب «اعدام و نکوهش آن» است.

بنابر آنچه گفته شد، در پس تصویر و نقاشی به ظاهر ساده‌ای که در ابتدا گفتیم داستان و روایتی تلخ و ایدئولوژیک پنهان است. انتخاب این تصویر توسط ناشر یا مترجم براستی بازگو کننده گفتمانی پنهان بین پدیدآورنده و مخاطب است که در بالا به آن اشاره کردیم. در واقع، می‌توان گفت که این تصویر با چنین داستان و پیشینه‌ای بر روی جلد این داستان نوعی بینامتنیت نیز به‌شمار می‌رود و به دنبال پیوند دادن دو ایدئولوژی، یکی پنهان در تصویر و دیگری آشکار در متن (به‌خصوص در مقدمه نویسنده) است. هیچ نشانی از ابزار اعدام و تصاویر ناراحت‌کننده اعدام خصوصاً اعدام با گیوتین که در داستان به آن پرداخته شده است در جلد کتاب دیده نمی‌شود. اما آن نگاه‌های خسته با دهان بسته، خود گویای داستانی تلخ است که خواننده را برای رویارویی با جریان اثر آماده می‌کند و حرف‌های

زیادی را به مخاطب تیزبین خود انتقال می‌دهد. کلماتی که نمی‌توانند از زبان مترجم جاری شوند و تنها از دریچه‌ی نگاه، برای آنان که خواندن نگاه‌ها را می‌دانند، قابل کشف است.

ب. جلد نسخهٔ ترجمهٔ محمد قاضی

همانطور که پیشتر به آن اشاره کردیم نسخه‌ی اولیهٔ این ترجمه توسط قاضی جزء اسناد محرمانهٔ حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی ایران است اما در طی این سال‌ها نسخه‌هایی از این ترجمه توسط ناشرین مختلف به چاپ رسیده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.



همانطور که در تصاویر می‌بینیم غالب جلد کتاب‌های نسخهٔ ترجمهٔ قاضی تنها به تصویری از هوگو بر روی جلد با عنوان اثر و نام نویسنده و مترجم بسنده کرده‌اند. تصویری از مردی غربی، با لباسی فاخر و فرنگی، با حالتی متفکرانه بر روی جلد که قطعاً برای مخاطب فارسی‌زبان، در دهه‌های آغازین ترجمهٔ این اثر که بیشتر قشر روشنفکر و تحصیل کرده بودند، بسیار جذاب بوده است. در آن زمان عموم مردم بی‌سواد بوده و تنها قشر تحصیل کرده و روشنفکر بودند که به خواندن کتاب (برای آشنایی با جهان‌های دیگر و تفکرات ایدئولوژیکی و آرمان‌خواهی آن‌ها برای ساخت الگوی بومی برای خود) روی می‌آوردند. قشری که شیفتهٔ غرب و تفکرات غربی بود. ویکتور هوگو در آن زمان برای ایرانیان فرد شناخته‌شده‌ای نبود و مخاطب با دیدن تصویر او در روی جلد می‌توانست حدس بزند که این اثر توسط مردی غربی و متفکری نوشته شده است و با این نگاه اندیشناکی که دارد، به‌طور قطع، پیامی اندیشمندانه را در کتابش به خواننده انتقال می‌دهد. از طرفی اعدام با گیوتین در ایران مرسوم نیست و قرار دادن عکسی از گیوتین برای ایرانیان نمی‌توانست معنا و مفهومی چندانی داشته باشد. در شرایط حکومتی آن زمان، درج هر تصویر دیگری که به موضوع اعدام می‌پرداخت بسیار حساس

و پرمخاطره بود. به همین سبب، ناشرین به تصویری از هوگو که اندیشمندی و دغدغه‌مندی در آن نمایان است بسنده کردند و تأکید اثر را بر روی نویسنده اثر قرار دادند. در تصویر جلد دیگر، فرشته‌ای را می‌بینیم که در یک دست شمشیر که نماد حکومت و پادشاه است را در دست دارد و در دست چپش همزمان ترازو که نشانه‌ی عدالت و نیز عصای کشیشان مسیحی است که نشانی از روحانیت است را در دست گرفته است. فرشته با یک پا بر روی ساعتی گرد ایستاده است که نشان از تمام‌نشدن گذر زمان دارد، چراکه دایره در نشانه‌شناسی به معنای جاودانگی و وجه تمام‌ناشدنی جریان زمان است. فرشته هم‌زمان که سعی دارد همه‌ی وسایل را در دستانش نگاه دارد با اضطراب به صفحه‌ی ساعت چشم دوخته است. تعادل او و توازن ترازوی در دستش به هم خورده است. در پس‌زمینه، زمین و آسمانی دیده می‌شود که فرشته بین آن دو گیر کرده است. مفهوم بینامتنیتی بین زمین و آسمان گیرکردن در تصویر روی جلد برای مخاطب حس بلا تکلیفی را تداعی می‌کند و توازنی که به هم ریخته است کاملاً برای خواننده مشهود است. لازم به ذکر است که تمامی این عناصر اعم از تمیس، پادشاه، کلیسا، گذر زمان، تعلیق و حس بلا تکلیفی، عدم توازن ترازوی عدالت و ... در بستر متن داستان و به‌خصوص در مقدمه جنجالی اثر، که در نسخه‌ی قاضی وجود ندارد، بسیار پررنگ است.

لذا، بیننده گرچه با دیدن تصویر هیچ نشانی از موضوع کتاب، یعنی اعدام دریافت نمی‌کند اما درمی‌یابد که موضوع به همه‌ی این عناصر مربوط می‌شود، موضوعی که قطعاً باعث برهم ریختن توازن آن‌ها شده است و پادشاه، عدالت، دین و زمان و... در آن ایفای نقش می‌کنند.

تلویحات ایدئولوژیک جلد نسخه‌های فرانسوی اثر

این اثر به دلیل دستاوردی که در فرانسه به دنبال داشت (زیرساخت لغو حکم اعدام را بنا نهاد)، توسط ناشران بسیار زیادی به چاپ رسیده است و اما آنچه که در اکثر جلدها دیده می‌شود آن است که آن‌ها صریحاً و به‌طور مستقیم به اعدام، زندان، گیوتین، خون، بی‌عدالتی و فضای سیاه آن اشاره کرده‌اند.

عناصری که به دلایل حساسیت‌های احتمالی اصلاً در جلدهای ترجمه به چشم نمی‌خورند. در ادامه برای نمونه چند جلد مختلف چاپ شده این کتاب توسط ناشرین فرانسوی آورده شده است:



نتیجه‌گیری

مانند سایر رمان‌های هوگو، در این رمان نیز فریاد اعتراض او را می‌بینیم که صدای ضعیفان در جامعه را به گوش حاکمان می‌رساند. اندیشه‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانهٔ هوگو در این اثر نیز به چشم می‌خورد، گرچه همواره دولت و سیاستمداران مخالف چنین نوشته‌هایی بودند. همانطور که بررسی کردیم ترجمهٔ این کتاب که در سال ۱۳۳۴ توسط محمد قاضی انجام شد، از اسناد محرمانه‌ی پهلوی است. ریشهٔ گرایش قاضی به این کتاب در این برههٔ زمانی را می‌توان در نگرش سیاسی و مکتب فکری او یافت. همانطور که گفته شد، قاضی از اعضای حزب توده بود و با توجه به جریان‌هایی که حزب توده در آن زمان از سر گذراند و با توجه به رویکردهای ادبی وی، واضح است که قاضی به سراغ ترجمهٔ چنین اثری با درون‌مایهٔ سیاسی و اعتراضی می‌رود تا اعتراض خود را به گوش حکومت برساند و مردم خود را آگاه کند. نویسنده و به نوعی مترجم هر دو اهدافی سوسیالیستی را دنبال می‌کردند، با این تفاوت که هوگو با خلق این اثر ادبی امر اعدام را به‌طور کلی به زیر سوال برد و نشان داد که اعدام در ایدئولوژی او جایگاهی ندارد و اعتراض او در این اثر یکی از عوامل تاثیرگذار

در لغو قانون اعدام در فرانسه به‌شمار می‌رود. اما با مرور تاریخ حزب توده در ایران، می‌توان گفت که مترجم در ترجمه این اثر مجازات اعدام را محکوم می‌کند تا مخالفت خود را با اعدام‌هایی که حکومت پهلوی انجام می‌دهد نشان دهد و مجازات اعدام را تنها در این زمینه محکوم می‌کند و نیز می‌توان گفت که قاضی توجه بیشتری به جنبه سیاسی و اعتراضی متن داشته است تا به بار ادبی آن. همانطور که در جلد عکس دیدیم تنها تصویر یک اندیشمند و سیاستمدار به چشم می‌خورد تا یک نویسنده ادبی که قلمی هنری دارد. هیچ عنصر هنری در جلد دیده نمی‌شود و تصویر روی جلد نیز مانند ترجمه قاضی از این اثر، خشک، سیاسی، فاقد روح و بیان پنهان هنری است. اما همانطور که به آن اشاره کردیم در رویکرد ادبی فریس آبادی، او معتقد است که رسالت، پیام و بلاغت هنری اثر باید با هم در ترجمه متجلی شوند و هیچکدام نباید فدای دیگری گردند. رویکرد او نشان می‌دهد که فریس آبادی نیز مانند قاضی یک مترجم دغدغه‌مند و متعهد به جامعه خود است با این تفاوت که روحیه هنری‌اش نیز او را کامل می‌کند و همانطور که بررسی کردیم توانست پیام خود را نیز از دریچه هنر و از طریق پیام پنهان پیرامتن به مخاطب خود انتقال دهد.

منابع

- اشرف، ا. و بنوعزیزی، ع. (۱۳۷۲). *طبقات اجتماعی در دوره پهلوی*، ترجمه‌ی عماد افروغ. راهبرد. امیر فریار، ف. (۱۳۸۰). «کارنامه ۱۵۰ ساله ما در ترجمه» در *مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران*. علی خزاعی فر. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی. ۷۲-۵۷.
- آرون، پ. (-). *ایدئولوژی در جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه‌ی عرفان حسین زاده. - باوریان، ف. (۱۳۹۷). تبیین فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی جریان روشن فکری ملی - مذهبی در دوره محمدرضا شاه پهلوی: از شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز فضای باز سیاسی ۱۳۳۹. *تاریخ نامه انقلاب*، ۲ (۱۱) (پیاپی ۳).
- جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. (۱۳۸۷). *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۲۰-۱۳۶۱)*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- حسین زاده، آ.، شهپرراد، ک. (۱۳۹۷). از پیرامتن تا پیرا ترجمه دریافت ترجمه داستان‌های دولت‌آبادی به زبان فرانسه براساس نظریات ژرار ژنت. *مطالعات زبان و ترجمه*. ۵۱ (۱). ۹۳-۱۱۶.

رجبی، ع. (۱۳۹۲). قاضی و بازی ترجمه با قدرت: به در می گویم، دیوار، تو گوش کن. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. شماره ۱۵.

رستمی، ه. و جعفریان، ح. (۱۳۹۷). گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در «آخرین روز یک محکوم». پژوهشنامه حقوق کیفری سال نهم بهار و تابستان. شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، ۱۶۰-۱۳۹ شفیعی، ش. (۱۳۹۲). خوانش جامعه‌شناختی محمد قاضی و ترجمه‌هایش. زبان و ادب فارسی. ۷۰-۵۷. (۱۵)۵

عبدی، ن. و فرحزاد، ف. و سعیدنیا، گ. (۱۴۰۰). زمان دستوری و تلویحات ایدئولوژیک آن در ترجمه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. زبان پژوهی (علوم انسانی)، ۱۳ (۳۹)، ۱۸۵-۲۱۱. فرحزاد، ف. (۱۳۹۰). نقد ترجمه: مدلی سه وجهی بر اساس تحلیل انتقادی گفتمان. نشریه مطالعات ترجمه، شماره ۳۶. ۷۵-۹۰.

قاضی، م. (۱۳۷۱). خاطرات یک مترجم. تهران: انتشارات چشم و چراغ.

قاضی، م. (۱۳۷۲). مجله‌ی ادبیات داستانی (گفتگوها و گزارش‌ها)، شماره ۱۰.

قاضی، م. (۱۳۷۶). «من فانوس افروزم» دمی با قاضی و ترجمه. عرفان قانعی فرد. سنندج: نشر ژیار. قانعی فرد، ع. (۱۳۷۶). دمی با قاضی و ترجمه. سنندج: نشر ژیار.

مظهری، م.، فرجاه، م. (۱۳۹۷). پیرامنتیت در ترجمه: تحلیل یک اثر از گلی ترقی. نشریه مطالعات ترجمه. شماره ۶۱.

معظمی فراهانی، ب. (۱۳۸۸). ویکتور هوگو، نویسنده قهرمان پرور یا قهرمان سخنوری. مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی). شماره ۱۶، ۱۲۳-۱۴۳.

نظامی زاده، م.، و عباسی، ع.، و هنرور، آ. (۱۳۹۴). بررسی معناشناختی ترجمه «رمان آخرین روز یک محکوم». قلم، ۹ (۲۰)، ۷۷-۹۴.

هوگو، و. (۱۳۶۹). آخرین روز یک محکوم و کلود ولگرد، ترجمه محمد قاضی. انتشارات هدایت - نور فاطمه.

هوگو، و. (۱۳۹۷). آخرین روز یک محکوم و کلود بی‌نوا، ترجمه بنفشه فریس آبادی. تهران: نشر چشمه.

- Bozon, E. (2002). *L'Expression du Moi dans "Le dernier jour d'un condamné" de Victor Hugo*, Mémoire de Maîtrise (Français) Broché
- DARCOS, X. (1992). *Histoire de la littérature française*. Paris : Hachette.
- [Dezobry, CH.](#) et [Théodore Bachelet.](#) (1895). *Dictionnaire général de biographie et d'histoire* E. Darsy.
- Farahzad, F. (2012). Translation Criticism: a three-dimensional model based on CDA. *Quarterly of Translation Studies*. 36 (9), 30-48 [In Persian].
- Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of Interpretation*. trans. Jane E. Lewin. Cambridge University Press.
- Guy Rosa. Victor Hugo. (1989). *Le Dernier Jour d'un condamné, notes et commentaires*, préface de Robert Badinter, Le Livre de poche classique.
- Hugo, V. (1832). *Le dernier jour d'un condamné*. Paris : Eugène Renduel.
- Hugo, V. *Œuvres complètes*, Club français du livre, 1967-1969, tome III (comprend notamment une présentation du Dernier Jour d'un condamné par Jean Massin).
- Khazae Far, A. (2005). A report from the second conference on literary translation in Iran (Ferdowsi University of Mashhad, October 26 and 28, 2005), *Nameye-Farhangestan*. 7 (3), 223-235 [In Persian].
- Roman.M. (2000). Victor Hugo, *Le Dernier Jour d'un condamné, essai et dossier*, Gallimard, collection « Folio thèque », 2000.
- Rorty, R. (1991). *Essays on Heidegger and Others*. New York: Cambridge University Press
- Schaffner, Christina.(2007). "Politics and Translation" *A Companion to Translation Studies*. Eds. PiotrKuhiwczak and Karin Littau.UK: Clevedon.Multilingual Matters Ltd.134-148.
- Société de savants et de gens de lettre, *Dictionnaire des dates des faits des lieux et des hommes historique*, TOME deuxième, paris

وبگاهها

<https://www.umnews.org/en/news/chinese-martyr-inspires-50-years-after-execution>